

Evaluating the Delinquency Process in the General Theory of Strain: Criminological Analysis of the Film "Capernaum"

Hamidreza Danesh Nari¹

Sepideh Faaliat²

Mohammad Tahan Toroghi³

Abstract

Agnew's General Theory of strain is one of the most valid and practical theories in criminology. Unlike previous theories of pressure, it examines in detail the types of pressure sources, and also raises issues such as new sources of pressure, the impact of negative emotions, types of adaptations, and ultimately the formation of adaptations. Considering the importance of the General Theory of Pressure in criminology studies, on the one hand, and the growth of interdisciplinary studies in the field of criminology and cinema in formats such as cultural criminology and popular criminology, the present study seeks to analyze the delinquency process in the film "Capernaum" using the qualitative content analysis method. The film "Capernaum" narrates the life story of a teenage boy named "Zain" who experiences different sources of pressure and shows different adaptive reactions to the sources of pressure, depending on the type of negative emotions experienced and other influential factors. The findings from the film analysis show that "Zain" fails to obtain valuable resources, loses valuable stimuli in his life like his sister, "Sahar", and experiences negative stimuli such as child abuse, neglect, and a chaotic life. Also, simultaneous, multiple, new, and intense pressures cause him to commit crimes in response to the sources of pressure due to cognitive, behavioral, and emotional coping strategies.

Keywords: Strain, Conformity, Capernaum, Feeling of Deprivation, Conflict.

1- Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author) daneshnari@um.ac.ir

2- PhD student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran sepide@yahoo.com

3- PhD student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran tahan@yahoo.com

ارزیابی فرایند بزهکاری در نظریه عمومی فشار:

تحلیل جرم‌شناختی فیلم «کفرناحوم»

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

حمیدرضا دانش ناری^۱*

سپیده فعالیت^۲

محمد طهان طرقي^۳

چکیده

نظریه عمومی فشار اگنیو، یکی از معتبرترین و کاربردی‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی می‌باشد. نظریه‌ای که برخلاف نظریه‌های فشار پیشین، ضمن بررسی دقیق انواع منابع فشار، به طرح مسائلی همچون منابع جدید فشار، تأثیر احساسات منفی، انواع انطباق‌ها و درنهایت نحوه شکل‌گیری انطباق‌ها می‌پردازد. با توجه به اهمیت نظریه عمومی فشار در مطالعات جرم‌شناسی، از یک‌سو و رشد مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه جرم‌شناسی و سینما در قالب‌هایی چون جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی عامه، پژوهش حاضر درصدد است تا با روش تحلیل محتوای کیفی، فرایند بزهکاری در فیلم «کفرناحوم» را تحلیل کند. فیلم «کفرناحوم» روایت‌گر داستان زندگی پسر نوجوانی به نام «زین» است که منابع مختلف فشار را تجربه می‌کند و با توجه به نوع احساسات منفی تجربه‌شده و سایر عوامل اثرگذار، واکنش‌های انطباقی متفاوت نسبت به منابع فشار از خود نشان می‌دهد. یافته‌های حاصل از تحلیل فیلم نشان می‌دهد که «زین» در دستیابی به منابع ارزشمند شکست می‌خورد، محرک‌های ارزشمند زندگی خود همچون خواهرش، «سحر» را از دست می‌دهد و محرک‌های منفی همچون کودک‌آزاری، بی‌توجهی و زندگی نابسامان را تجربه می‌کند. همچنین، فشارهای هم‌زمان، متعدد، جدید و شدید موجب می‌شوند تا او در پاسخ‌دهی به منابع فشار در اثر راهبردهای مقابله‌ای شناختی، رفتاری و احساسی مرتکب جرم شود.

واژگان کلیدی

فشار، انطباق، فیلم کفرناحوم، احساس محرومیت، تضاد، بزهکاری.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

daneshnari@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

sepide@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

tahan@yahoo.com

مقدمه

نظریه‌های ساختار اجتماعی شکل‌گیری جرم را محصول ساختار و سازمان محیط اجتماعی می‌دانند. این نظریه‌ها در تضاد با اندیشه کسانی است که جرم را صرفاً نشئت گرفته از ویژگی‌های فردی و یا محصول انتخاب آزاد افراد می‌دانند (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۲). نظریه‌های فشار از جمله نظریه‌های ساختاری هستند (سوتهیل و دیگران، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۹) که بر مبنای منشا فشار به دو شاخه تقسیم می‌شوند: الف) نظریه‌های فشار ساختاری و نظریه‌های فشار فردی. نظریه‌های فشار ساختاری با رویکرد جامعه‌شناختی بر این نظر هستند که غالب افراد ارزش‌ها و اهداف مشابهی دارند. آن‌ها به دنبال اهداف اقتصادی و اجتماعی همچون کسب ثروت، داشتن امکانات رفاهی، تحصیلات، مراقبت از خانواده و آموزش فرزندان‌شان هستند. در عمل، توانایی دستیابی به اهداف مدنظر به صورت کامل وابسته به طبقه اقتصادی - اجتماعی فرد است. نمونه‌های مشهور نظریه‌های فشار ساختاری، نظریه فشار مرتون و نظریه آنومی نهادی هستند. در نقطه مقابل، نظریه‌های فشار فردی نگاهی روان‌شناختی-اجتماعی دارند و بر این اعتقاد هستند که تجارب زندگی شخصی موجب می‌شود برخی از افراد متحمل رنج و درماندگی شوند و بر اساس آن مرتکب رفتارهای ضد اجتماعی شوند. نمونه مشهور نظریه فشار فردی، نظریه عمومی فشار^۴ است که توسط رابرت اگنیو^۵ مطرح شده است (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱، صص. ۱۵۲-۱۵۳). این نظریه، یکی از مهم‌ترین چهارچوب‌های نظری در حوزه جرم‌شناسی است که در سال ۱۹۹۲ توسط اگنیو معرفی شده است (Rebellon et al., 2009, pp. 48-49). علت نام‌گذاری این نظریه به نظریه عمومی فشار آن است که برای تبیین همه جرایم و نه جرایم خاص مطرح شده است (Akers & Sellers, 2003, p. 25). هرچند آگنیو نظریه عمومی فشار را با تکیه بر کار نظریه پرداز پیشین در حوزه نظریه‌های فشار؛ رابرت مرتون، مطرح کرد (Carey, 2021, p. 2)؛ اما نظریه عمومی فشار اگنیو نسبت به نظریه فشار مرتون، نوعی پیشرفت تلقی می‌شود؛ زیرا توضیح جامع‌تری از رابطه فشار - بزهکاری ارائه می‌دهد (Lin, 2011, p. 38).

4. General Strain Theory

5. Robert Agnew

بر اساس نظریه رابرت اگنیو، مهم‌ترین انتقادات وارد بر نظریه فشار اجتماعی، تمرکز بر بزهکاری طبقات پایین، توجه صرف به اهداف طبقه متوسط و منفعت مالی، تمرکز بر موانع کسب موفقیت طبقه اجتماعی و عدم ارتکاب جرم توسط برخی از افراد تحت فشار هستند (Brown et al., 2010, p. 249). در پاسخ به این انتقادات، اگنیو نظریه فشار را بازتعریف کرد (سوتهیل و دیگران، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۹) و با افزودن منابع متعدد، نظریه فشار را قادر ساخت که از یک‌سو، گستره وسیعی از جرایم را توضیح دهد و از سوی دیگر، ارتکاب جرایم قشر متوسط و فرادست را نیز تبیین کند (Carey, 2021, p. 3).

اگنیو در نظریه جدید فشار، سه منبع اصلی برای فشار معرفی می‌کند: شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت^۶، حذف محرک ارزشمند^۷ و حضور محرک منفی^۸. اولین منبع فشار خود شامل سه بخش است: ۱) گسست میان آرمان‌ها و دستاوردهای واقعی؛ ۲) گسست میان توقعات فرد و دستاوردهای واقعی و ۳) گسست میان پیامد واقعی و پیامد منصفانه (Cullen & Agnew, 2004, p. 208). بدین ترتیب اگنیو، رویکرد کلاسیک فشار را به طرق مختلف ارتقا داد. وی محدوده فشار کلاسیک را که فقط شامل انسداد اهداف بود، با گنجانیدن گسست میان انتظارات و دستاوردهای واقعی و گسست میان پیامدهای عملی و منصفانه گسترش داد. همچنین با افزودن مواجهه با محرک‌های منفی و حذف محرک ارزشمند دامنه فشار را بیش از پیش بسط داد (Lin, 2011, p. 208). به عقیده اگنیو، هریک از منابع فشار، احتمال تجربه احساسات منفی از قبیل خشم، سرخوردگی، ناامیدی، افسردگی و ترس در افراد را افزایش خواهند داد (Carson, 2007, p. 12). درحقیقت در نظریه عمومی فشار، رابطه میان فشار و جرم، نه به‌صورت مستقیم بلکه با واسطه‌گری احساسات منفی و به‌صورت غیرمستقیم تبیین می‌شود (Swagar, 2011, p. 20). به عبارت دقیق‌تر، احساسات منفی موجب می‌شود تا فرد از خود واکنش‌هایی از قبیل ارتکاب جرم نشان دهد. درواقع جرم، ابزاری برای کاهش یا رهایی از فشار است؛ زیرا این احساسات می‌توانند توانایی فرد برای مقابله به شیوه قانونی و مشروع را کاهش دهد

6. Failure To Achieve Positively Valued Goals

7. Removal of a positive stimuli

8. Confrontation of a negative stimuli

(Agnew, 2006, p. 170)؛ اما آیا همه افرادی که منابع مختلف فشار را تجربه می‌کنند، درنهایت بزهکار خواهند شد؟ اگنیو توضیح می‌دهد که راهبرد انطباقی^۹ هر فرد عامل تعیین‌کننده‌ای است که آیا فرد درگیر جرم می‌شود یا خیر؟ (Carey, 2021, p. 2). درحقیقت افراد در سازگاری با فشار به دلیل تفاوت در واکنش‌های انطباقی، متفاوت هستند. به باور اگنیو، سه نوع واکنش انطباقی وجود دارد: انطباق شناختی^{۱۰}، انطباق رفتاری^{۱۱} و انطباق احساسی^{۱۲} (Agnew, 1992, p. 66).

بدین‌ترتیب، نظریه عمومی فشار در سه مرحله به تبیین اعمال مجرمانه می‌پردازد. در این بستر، ابتدا، منابع فشار، سپس احساسات منفی ناشی از فشارها و درنهایت رفتار مجرمانه فردی بررسی می‌شود (Burke, 2009, p. 106). همچنین این نظریه به بررسی عوامل مؤثر در میزان فشار و نحوه شکل‌گیری نوع انطباق نیز می‌پردازد.

با توجه به اینکه نظریه عمومی فشار رابرت اگنیو یکی از معتبرترین نظریه‌های تبیین جرم در جرم‌شناسی نوین می‌باشد، این پژوهش درصدد است ضمن تبیین علل بزهکاری از دیدگاه نظریه عمومی فشار، فیلم سینمایی کفرناحوم را مورد واکاوی قرار دهد. بدین‌ترتیب، پس از معرفی مختصر فیلم و روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های حاصل از پژوهش ارائه می‌شود و درنهایت، نتیجه حاصل ارائه خواهد شد.

۱- معرفی مختصر فیلم

فیلم کفرناحوم^{۱۳}، یک فیلم درام لبنانی به کارگردانی نادین لبکی^{۱۴} است. این فیلم که از لحاظ پیام و روایت حائز اهمیت است، محصول سال ۲۰۱۸م می‌باشد. روایت فیلم به‌صورت گذشته‌نمایی (فلاشبک^{۱۵}) و با تمرکز بر زندگی «زین» ساخته شده است. فیلم با صحنه‌ای شروع می‌شود که «زین» به دلیل ارتکاب جرمی به زندان افتاده است و حالا در

-
- 9. Coping strategy
 - 10. Cognitive Coping
 - 11. Behavioral Coping
 - 12. Emotional Coping
 - 13. Capernaum
 - 14. Nadine Labaki
 - 15. Nadine Labaki

دادگاه در مقام شاکی حضور دارد و از والدینش به‌دلیل اینکه او را به دنیا آورده‌اند شکایت می‌کند. «زین» پسر دوازده‌ساله‌ای است که در یک خانواده فقیر و پرجمعیت در بیروت زندگی می‌کند. کودکی که پدر، مادر، خانه و خانواده دارد؛ اما وضعیت زندگی‌اش فلاکت‌بارتر از یک کودک یتیم است؛ زیرا توسط پدر و مادر خود مجبور به کار کردن شده و مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و تنها دلگرمی او، خواهر یازده‌ساله‌اش «سحر» می‌باشد. به همین دلیل تمام تلاش خود را می‌کند تا والدینش از بالغ شدن «سحر» مطلع نشوند؛ زیرا پدر و مادر «زین» می‌خواهند «سحر» را به عقد جوان مغازه‌دار محله «اسد» در بیاورند؛ اما علی‌رغم تمام تلاش‌ها و مقاومت‌های «زین»، سرانجام «سحر» را مجبور به ازدواج با «اسد» می‌کنند. بعد از این اتفاق، «زین» از خانه می‌گریزد و با یک زن سیاه‌پوست به نام «راحیل» که به‌صورت غیرقانونی به همراه فرزند خردسالش، «یونس» در لبنان اقامت دارد، آشنا می‌شود و با آن‌ها زندگی می‌کند؛ اما پس از مدتی «راحیل» به‌دلیل اقامت غیرقانونی دستگیر می‌شود و «زین» به همراه «یونس» تنها می‌ماند و درگیر چالش‌های جدید می‌شود؛ چرا که هم باید از «یونس» مراقبت کند و هم راهی برای درآمدزایی پیدا کند؛ بنابراین شروع به فروش مواد مخدر می‌کند. پس از مدتی «زین» تصمیم می‌گیرد به سوئد فرار کند و به همین دلیل، مجبور می‌شود «یونس» را به یک قاچاقچی انسان بفروشد. سرانجام «زین» به خانه باز می‌گردد تا مدارک هویتی خود را بردارد؛ اما متوجه مرگ خواهرش «سحر» به‌دلیل بارداری می‌شود و در این لحظه خشمگین شده و درنهایت به «اسد» حمله می‌کند و بازداشت می‌شود.

۲- روش تحقیق

در پژوهش حاضر جهت بررسی ارکان نظریه عمومی فشار در فیلم، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsiu-Fang & Shannon, 2005, p. 13). درواقع تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند

تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسوی واژه‌ها یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگویی را که آشکار یا پنهان هستند، به‌صورت محتوای آشکار می‌آزماید (Zhang, 2006, p. 52).

بدین‌ترتیب، تحلیل محتوای کیفی روشی مناسب برای تحلیل داده‌های متنی در حجم عظیم و در بستری خاص است و به‌واسطه کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها در این روش، می‌توان نظریات مختلف را سنجید و صحت و سقم آن‌ها را ارزیابی نمود (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۸). این روش برای بررسی نظام‌مند اطلاعات و آشکار کردن معانی پنهان در آن‌ها و نیز فهم برخی اصطلاحات و کلمات استفاده می‌شود. روش تحلیل محتوا را می‌توان در همه اشکال ارتباطات همچون کتاب، شعر، روزنامه، آواز، تقاشی، سخنرانی و فیلم به‌کار بست. تحلیل محتوا که روشی برای تحلیل پیام‌های ارتباطی متنی، شفاهی، صوتی و تصویری است، برای اولین بار به‌عنوان روشی برای تحلیل سرودها، روزنامه‌ها، مجلات، تبلیغات و سخنرانی‌های سیاسی قرن نوزدهم به‌کار گرفته شد. در یک تعریف عام، تحلیل محتوا به هر روشی که برای استنباط نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها به‌کار می‌رود، اطلاق می‌شود. برخی نیز تحلیل محتوا را یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل مطالعات کیفی می‌دانند که به‌وسیله آن داده‌ها، خلاصه، توصیف و تفسیر می‌شوند. مستفاد از تعاریف فوق می‌توان تحلیل محتوا را رویه‌ای برای گردآوری و سامان‌بخشی اطلاعات در یک شکل استاندارد دانست که به پژوهش‌گر این اجازه را می‌دهد تا تحلیل‌های خود را در قبال استنباط از ویژگی‌ها و معانی داده‌های نوشتاری یا تصویری ارائه دهد.

۳. یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش ضمن بررسی دقیق نظریه فشار عمومی اگنیو، تحلیل محتوای سکانس‌ها و دیالوگ‌های مختلف فیلم در پرتو ارکان نظریه مذکور ارائه می‌شود.

۳-۱- منابع فشار

بر خلاف نظریه مرتون که فشار را به‌عنوان پدیده‌ای صرفاً اقتصادی برای آرزوهای تحقق‌نیافته یا موفقیت‌های مالی طبقه متوسط در نظر می‌گیرد، اگنیو به‌طور گسترده‌تر فشار را به‌عنوان پدیده‌ای روانی-اجتماعی که شامل منابع متعددی از آرزوهای ناامیدکننده است، در نظر می‌گیرد. وی معتقد است فشار نه تنها شامل آرزوهای تحقق‌نیافته می‌شود بلکه انتظارات تحقق‌نیافته، بی‌عدالتی ادراک‌شده، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت و اعمال محرک‌های منفی را نیز شامل می‌شود (Rebblon et al., 2009, p.48). بدین ترتیب، اگنیو سه منبع اصلی برای فشار مطرح می‌کند.

۳-۱-۱- شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

به عقیده اگنیو، عدم دستیابی به اهدافی که برای فرد اهمیت داشته و ارزشمند محسوب می‌گردد نظیر ثروت، منزلت اجتماعی و استقلال، می‌تواند منشأ فشار باشد. اهداف مذکور، زمانی که اشخاص در زندگی خود با گسست‌هایی روبه‌رو می‌شوند، می‌تواند منشأ ایجاد فشار باشد (Agnew, 1992, p. 51). این گسست‌ها به سه حالت تقسیم می‌شوند: (۱) گسست میان آرزوها و دستاوردهای واقعی^{۱۶}؛ (۲) گسست میان توقعات فرد و دستاوردهای واقعی^{۱۷} و (۳) گسست میان پیامد عملی و پیامد منصفانه^{۱۸}. به‌طورخاص، اگنیو چنین استدلال می‌کند که اگر شکافی میان آرزوها و دستاوردهای واقعی، میان انتظارات و دستاوردهای واقعی و میان نتایج عادلانه و منصفانه و نتایج واقعی وجود داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد خشم، ناامیدی و ناکامی را تجربه کنند (Bergeron, 2010, p. 17). گسست میان آرزوها و دستاوردهای واقعی به‌عنوان اولین گسست معرفی شده در نظریه عمومی فشار، کانون نظریه‌های فشار پیشین نیز بوده است (Agnew, 1992, p. 51). این منبع فشار مشابه فشار ناشی از گسست میان خواسته‌ها و انتظارات و وسایل قانونی دسترسی به آن در نظریه فشار مرتون می‌باشد (Siegel, 2018, p. 154). به

16. Strain as the disjunction between aspirations and expectations/actual achievements

17. Strain as the disjunction between expectations and actual achievements

18. Strain as the disjunction between just/fair outcomes and actual outcomes

عقیده اگنیو در این نوع گسست، دستیابی به اهداف ارزشمند علاوه بر طبقه اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی چون هوش، استعداد و قابلیت‌های جسمانی فرد قرار دارد و زمانی شکل می‌گیرد که فرد امکانات مادی و یا قابلیت‌های فردی لازم جهت کسب آرمان‌های حاکم بر جامعه، نظیر ثروت و تحصیلات را در اختیار ندارد (Agnew, 1992, p. 51). این نوع گسست را به خوبی می‌توان در سکانس‌های ابتدایی فیلم مشاهده کرد. در دو سکانس مختلف زمانی که «زین» مشغول کار کردن در خیابان است، سرویس مدرسه بچه‌ها را می‌بیند که درباره برنامه درسی روز بعدشان با یکدیگر صحبت می‌کنند، در حالی که «زین» نوجوان دوازده ساله‌ای است که تاکنون به مدرسه نرفته و مجبور است به دلیل امرار معاش تمامی اوقات خود را در خیابان‌ها و کارکردن سپری کند. در سکانس دیگری از فیلم نیز مادر «زین» به دلیل دریافت کمک‌های مالی از جانب مدرسه از همسرش درخواست می‌کند که «زین» را در مدرسه ثبت نام کنند. اما پدر «زین» می‌گوید: «چرا باید در مدرسه ثبت نام کند؟ باید برای اسد کار کند». «زین» در پاسخ به پدرش می‌گوید: «صبح به مدرسه می‌روم و عصرکار می‌کنم». علاقه «زین» به تحصیل را به خوبی می‌توان در این سکانس مشاهده کرد. به همین دلیل، رفتن به مدرسه تبدیل به یک آرزو برای او شده است؛ آرزویی که به دلیل فقدان امکانات مادی، قابلیت تبدیل شدن به واقعیت را ندارد. این سکانس از فیلم کفرناحوم، فاصله آرزوهاست با واقعیت، فاصله‌ای است میان آنچه خواستیم و آنچه که هستیم؛ امری که به صورت دقیق منطبق با اولین گسست از اولین منبع فشار است.

۲-۱-۳- حذف محرک ارزشمند

به عقیده اگنیو، هر انسان دارای مجموعه‌ای از مشوق‌ها و محرک‌ها در زندگی است که برای وی با ارزش تلقی می‌شوند و در شکل‌گیری احساس آرامش‌خاطر، شوق به زندگی و تحرک اجتماعی فرد مؤثر هستند (Agnew, 1992, p. 52). از دست دادن هر یک از این محرک‌ها مانند از دست دادن یک دوست، مرگ یا بیماری جدی نزدیکان و طلاق والدین می‌تواند منشأ فشار باشند (Agnew, 1992, p. 57). درحقیقت زمانی که فرد سعی می‌کند تا از فقدان محرک مثبت ممانعت کند و آنچه را که از دست رفته بازیابی کند، جایگزینی برای

آن پیدا کند و یا از کسانی که مسئول این فقدان بوده‌اند، انتقام بگیرد، حذف محرک ارزشمند ممکن است منجر به بزهکاری شود (Agnew, 1992, p.58). بالین‌حال، هر فردی فارغ از طبقه اجتماعی، می‌تواند این منبع از فشار را در زندگی خود تجربه کند (Carey, 2021, p. 5). وقتی والدین «زین»، تصمیم به ازدواج «سحر» و «اسد» می‌گیرند، «زین» تمام تلاش خود را می‌کند تا مانع این امر شود و وقتی موفق نمی‌شود، از خانه می‌گریزد. در سکانس‌های پایانی فیلم، «زین» که برای برداشتن مدارک هویتی خود به خانه بازمی‌گردد، از مرگ «سحر» مطلع می‌شود. بلافاصله پس از شنیدن خبر فوت خواهرش، چاقویی را از آشپزخانه برمی‌دارد و به «اسد» حمله می‌کند. درحقیقت «زین» با مرگ خواهرش، فشار ناشی از حذف یک محرک ارزشمند را نیز تجربه می‌کند. این منبع از فشار با تولید احساسات منفی به‌ویژه خشم، احتمال رفتار مجرمانه را افزایش می‌دهد. به‌همین دلیل، «زین» به‌دلیل خشم ناشی از تجربه این منبع فشار، درصدد انتقام از کسانی برمی‌آید که موجب این فقدان شده‌اند.

۳-۱-۳- حضور محرک منفی

قرارگرفتن شخص در معرض موقعیت‌های آزاردهنده و حوادث ناامیدکننده (Bao; Haas & Pi, 2004, p. 285) می‌تواند موجب حضور محرک منفی شود. عواملی مانند کودک‌آزاری و بی‌توجهی، بزه‌دیدگی، تنبیه بدنی، داشتن روابط منازعه‌آمیز با والدین یا همسالان و تجارب نامطلوب مدرسه (Agnew, 1992, p. 59) به‌عنوان محرک منفی، می‌تواند منشأ ایجاد فشار بر فرد باشد. یکی از فعالیت‌هایی که والدین «زین» از طریق آن درآمدزایی می‌کردند، فروختن لباس‌هایی بود که با آب آمیخته شده به قرص ترامادول شسته می‌شدند و برای تهیه ترامادول موردنیاز این کار از «زین» استفاده می‌کردند. در سکانس‌های ابتدایی فیلم، «زین»، با نسخه واحد به داروخانه‌های مختلف می‌رفت و در هر بار مراجعه با توسل به دروغ‌های مختلف، سعی در خریدن ترامادول می‌کرد. همچنین در طول فیلم و در قالب سکانس‌های مختلف، مواجهه «زین» با انواع کودک‌آزاری‌ها، بارها به تصویر کشیده می‌شود. درحقیقت «زین» علاوه بر تجربه کودک‌آزاری جسمی (خشونت فیزیکی) از جانب والدین خود، کودک‌آزاری‌های روانی و عاطفی را نیز تجربه می‌کند. در

سکانس‌های پایانی فیلم وقتی «زین» به دلیل حمله به «اسد» در زندان است با برنامه‌ای به نام بی‌عدالتی علیه کودکان تماس برقرار می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهم از پدر و مادرم شکایت کنم، می‌خواهم بزرگ‌ترها به حرفم گوش بدهند. بزرگ‌ترهایی که نمی‌توانند بچه بزرگ کنند، بچه به دنیا نیاورند. من چی دیدم تو عمرم؟ خشونت، توهین یا کتک خوردن با زنجیر و لوله و کمر بند».

محرک منفی دیگری که می‌تواند منشأ ایجاد فشار بر «زین» باشد؛ غفلت و بی‌توجهی است. غفلت عبارت است از نوعی رفتار منفی از سوی فرد مراقبت‌کننده نسبت به کودک که متضمن استنکاف از انجام اقداماتی است که فرهنگ هر جامعه آن اقدامات را برای تأمین نیازهای رشد کودک ضروری و فرد مراقب کودک را مکلف به انجام آن‌ها می‌داند (Straus & Kantor, 2005, p. 21). درواقع غفلت مفهوم گسترده‌ای دارد و از عدم تأمین نیازهای اولیه و اساسی جسمانی کودک مانند خوراک و پوشاک و مسکن، تا تأمین امکانات بهداشتی، تفریحی و امکانات ضروری آموزشی را دربرمی‌گیرد. عدم رسیدگی به مشکلات فردی و اجتماعی کودک و بی‌توجهی به وضعیت تحصیلی کودک را می‌توان از مصادیق غفلت برشمرد (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

بدین‌ترتیب، با توجه به روایت فیلم، «زین» سه منبع فشار معرفی شده توسط اگنیو را تجربه می‌کند. هرچند منابع فشار یاد شده از لحاظ نظری مستقل از یکدیگر هستند؛ اما ممکن است گاهی اوقات در عمل همپوشانی داشته باشند (Agnew, 1992, p. 59). یعنی ممکن است واقعه‌ای موجب ایجاد چندین منبع فشار شود؛ برای مثال، عدم توجه به وضعیت تحصیلی «زین» از سوی والدین، درعین حال که می‌تواند موجب تجربه اولین منبع فشار توسط «زین» شود (گسست میان آرزوها و دستاوردهای عملی)، می‌تواند نمونه بارز یک محرک منفی (غفلت) نسبت به وی باشد.

۲-۳- عوامل مؤثر بر میزان فشار

پس از معرفی سه منبع فشار، اگنیو ویژگی‌هایی برای فشار معرفی می‌کند. به عقیده او فشارهایی که در شدت بالا، جدیدتر، طولانی‌تر و به‌صورت همزمان واقع شوند، تأثیرات

عمیق‌تری بر احساسات منفی و بزهکاری دارند؛ به‌عنوان مثال، نمره بد در یک امتحان ممکن است چندان استرس‌زا نباشد؛ اما زمانی که دانش‌آموزان نه‌تنها نمره بد می‌گیرند بلکه با دوستان خود دعوا می‌کنند و یا یکی از اقوام نزدیک خود را از دست می‌دهند، منابع فشار متعدد را تجربه می‌کنند (Lin, 2011, p. 34). به عقیده اگنیو، وقایع نامطلوب، میزان فشار متفاوتی بر فرد وارد می‌کنند و چهار عامل در میزان فشار نقش کلیدی دارند (Agnew, 1992, p. 64). مورد اول شدت یا بزرگی^{۱۹} وقایع نامطلوب است. به عقیده اگنیو، شدت یک واقعه، بسته به نوع فشار می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد (سیمپسون و ویزبرد، ۱۳۹۵، ص. ۵۶). از منظر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند، شدت به میزان گسست میان اهداف فرد و واقعیت اشاره دارد، از منظر از دست‌دادن محرک ارزشمند، شدت به مقدار (ارزشمند بودن) محرکی که شخص از دست‌داده‌است، تمرکز دارد و از منظر مواجهه با محرک‌های منفی، شدت به میزان درد یا ناراحتی ایجادشده اشاره دارد (Agnew, 1992, p. 64).

با توجه به روایت فیلم هرچند «زین» سه منبع فشار را در قالب وقایع نامطلوب تجربه می‌کند؛ اما از دست‌دادن «سحر» به‌عنوان مهم‌ترین محرک ارزشمند در زندگی وی، بیشترین نقش را در تقویت عامل شدت در میزان فشار وارده به دوش می‌کشد؛ چرا که درنهایت «زین» را به سمت ارتکاب رفتار مجرمانه (حمله مسلحانه به اسد) سوق می‌دهد. دومین مورد، تازگی داشتن^{۲۰} وقایع نامطلوب است. رویدادها و وقایع نامطلوب جدیدتر، پراهمیت‌تر از رویدادهای قدیمی‌تر هستند. درحقیقت تازگی داشتن یک واقعه نسبت به واقعه دیگر می‌تواند در میزان فشار ناشی‌شده از منابع مختلف فشار تأثیرگذار باشد (Agnew, 1992, p. 65). «زین» پیش از ارتکاب حمله مسلحانه به «اسد» وقایع نامطلوب متعددی را تجربه کرده بود؛ اما شنیدن خبر فوت «سحر» منجر به ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی وی شد؛ بنابراین مرگ «سحر» به‌عنوان واقعه‌ای نامطلوب، به‌دلیل داشتن عنصر تازگی، منجر به افزایش میزان فشار در قیاس با سایر منابع فشار تجربه‌شده توسط «زین» می‌شود.

19. Magnitude

20. Regency

سومین عامل تأثیرگذار در میزان فشار وارده، طول مدت^{۲۱} وقایع نامطلوب است. رویدادهای طولانی مدت/ استرس‌های مزمن تأثیر بیشتری بر انواع پیامدهای روانی منفی دارند و موجب افزایش میزان فشار ناشی شده از وقایع نامطلوب می‌شوند (Agnew, 1992, p. 65). تجربه طولانی مدت وقایع آزاردهنده‌ای همچون کودک‌آزاری جسمی، روانی و عاطفی توسط «زین» نمونه بارز این امر است.

مورد چهارم، همزمانی^{۲۲} وقایع نامطلوب است. وقایع نامطلوبی که همزمان واقع می‌شوند، تأثیر بیشتری بر پیامدهای منفی حاصله دارند. درواقع چنین وقایعی بیشتر از سایر وقایعی که در زمان‌های مختلف رخ می‌دهند، راهبردهای مقابله‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Agnew, 1992, p. 66). «زین» پسر دوازده‌ساله‌ای است که علاوه بر مواجهه روزانه با انواع محرک‌های منفی مانند کودک‌آزاری‌های جسمی، روانی و عاطفی، غفلت و بزه‌دیدگی و تجربه گسست میان آرزوها و واقعیت موجود، تنها محرک ارزشمند زندگی خود؛ یعنی «سحر» را نیز از دست می‌دهد.

۳-۳. آثار فشار/ احساسات منفی ناشی از فشار

اگنیو با گنجاندن یک متغیر عاطفی؛ یعنی احساسات منفی در مدل مفهومی خود، نظریه عمومی را از نظریه‌های فشار کلاسیک متمایز کرد (Sung & Johnson, 2003, p. 80). درحقیقت، نظریه فشار اگنیو یک نظریه روان‌شناختی اجتماعی است و نقش فشار بر شکل‌گیری جرم را از طریق تأثیر آن بر ساختار روانی فرد بررسی می‌کند (پاک‌نهاد، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۱). به عبارت دیگر، تأکید اصلی نظریه عمومی فشار بر نقش میانجی احساسات منفی است؛ یعنی فشار از طریق تولید احساسات منفی، جرم را به عنوان یک واکنش انطباقی گسترش می‌دهد (Agnew, 2006, p. 170). به عبارت دقیق‌تر، جرم زمانی رخ می‌دهد که افراد به دنبال ابزارهای مجرمانه برای مقابله با احساسات منفی خود باشند. در این بستر، احساسات منفی ناشی از فشارها می‌تواند فرد را به دنبال رفتارهای مجرمانه به عنوان وسیله‌ای برای مقابله با احساسات خود سوق دهد (Carey, 2021, p. 3).

21. Duration

22. Clustering

به اعتقاد اگنیو هریک از منابع فشار، احتمال تجربه احساسات منفی در افراد را افزایش می‌دهند و این احساسات منفی شامل دامنه وسیعی از احساسات از قبیل خشم، سرخوردگی، ناامیدی، افسردگی و ترس می‌باشند (Agnew, 1992, p. 59). از میان این احساسات، برجسته‌ترین احساس واسطه‌ای در ارتباط میان فشار و بزهکاری، خشم می‌باشد. خشم یک احساس کلیدی است؛ زیرا سطح آسیب‌پذیری احساسی فرد را افزایش می‌دهد، تمایل به انتقام و تلافی را ایجاد می‌کند و فرد را به عمل واداشته و قدرت عوامل بازدارنده را پایین می‌آورد. افراد خشمگین مستعد ارتکاب جرم، به خصوص جرایم معطوف دیگران^{۲۳} و جرایم خشن می‌باشند (Agnew, 2006, p. 32). هرچند خشم جرم‌زاترین احساس است؛ اما بزهکاری ممکن است در پاسخ به سایر احساسات منفی دیگر مانند افسردگی رخ دهد؛ به‌عنوان مثال، خشم ممکن است باعث شود که یک فرد نسبت به افراد دیگر رفتار پرخاشگرانه‌ای داشته باشد؛ درحالی‌که افسردگی ممکن است فرد را به مصرف مواد مخدر سوق دهد تا «احساس بهتر» داشته باشد (Lin, 2011, p. 36). درحقیقت پاسخ به احساسات منفی مختلف در قالب جرایم متفاوتی رخ می‌دهد. هرچند «زین» با تجربه منابع مختلف فشار، احساسات منفی متعددی را تجربه می‌کند؛ اما حالت عاطفی منفی که «زین» پس از شنیدن خبر فوت خواهرش تجربه می‌نماید، خشم است که درنهایت منجر به حمله به «اسد» می‌شود. طبق استدلال اگنیو، افراد خشمگین تمایل قوی به انتقام دارند و به احتمال زیاد معتقدند که ارتکاب جرم امری موجه است. درحقیقت اگر انسان احساس‌کند که مورد ستم واقع شده، خشمگین می‌شود و خشونت و پرخاشگری را توجیه می‌کند (Siegel & Senna, 1997, p. 21). در سکانس‌های ابتدایی فیلم زمانی که دادگاه «زین» در حال برگزاری است، قاضی پرونده از او می‌پرسد: «می‌دونی چرا دستگیر شدی؟»، «زین» در پاسخ می‌گوید: «چون به یک توله سگ چاقو زدم». قاضی، دوباره می‌پرسد: «به یک نفر چاقو زدی؟» زین در جوابش می‌گوید: «بله به یک سگ چاقو زدم». استفاده از چنین الفاظی برای «اسد» حاکی از کم‌ارزش تلقی شدن شخصیت وی و توجیه‌کننده عمل ارتكابی «زین» است.

۳-۴- انطباق با فشار/ سازگاری با فشار

در نتیجه شکل گیری احساسات منفی پنج گانه در افراد در اثر تجربه منابع مختلف فشار، پاسخ هایی در افراد شکل می گیرد که اگنیو آن ها را واکنش های انطباقی می نامد که فرد تحت فشار از آن ها برای مقابله با فشارها و احساسات منفی ناشی از آن ها استفاده می کند (Lin, 2011, p. 36). به عقیده وی افراد ممکن است در پاسخ به فشار به اشکال مختلف واکنش نشان دهند.

۳-۴-۱- انطباق شناختی

افراد گاهی اوقات به صورت شناختی، عوامل استرس زای عینی را به گونه ای بازتفسیر می کنند که ناملايمات ذهني آن ها را به حداقل می رساند. سه راهبرد کلی برای انطباق شناختی تعریف شده است. این راهبردها برای انطباق با وقایع ناگوار (منابع فشار) در قالب عباراتی همچون «مهم نیست»، «آن قدرها هم بد نیست» و «من سزاوار آن هستم» خلاصه می شود. نادیده گرفتن یا به حداقل رساندن اهمیت وقایع نامطلوب اولین راهبرد از انطباق شناختی است. درواقع، تأثیر ذهني از فشار عيني به میزان ارتباط فشار با اهداف، ارزش ها و هویت هر فرد بستگی دارد (Agnew, 1995, p. 66). ممکن است افراد تاجایی که بتوانند سخت ترین/ پرفشارترین تجربیات خود را جزء کم ارزش ترین موضوعات زندگی خود بدانند و از این طریق از فشارهای ذهني اجتناب کنند (Pearlin & Schooler, 1978, p. 7). بدین ترتیب، افراد با کاهش دادن اهمیت مطلق یا نسبی اختصاص داده شده به اهداف، ارزش ها و هویت ها، تأثیر فشار تجربه شده را به حداقل می رسانند. به عبارت روشن تر، افراد ممکن است ادعا کنند که یک هدف به صورت مطلق بی اهمیت است؛ برای مثال، ادعا کنند که پول یا کار برایشان فاقد اهمیت است. این قسمت از راهبرد مذکور شبیه به انطباق های آیین منشی^{۲۴} و کناره گیری^{۲۵} مرتون می باشد. همچنین افراد ممکن است ادعا کنند که اهدافشان نسبت به سایر اهداف و ارزش ها بی اهمیت است؛ به عنوان مثال، فرد ادعا می کند که پول اهمیت کمتری نسبت به موقعیت دارد یا اینکه کار از خانواده و فعالیت های اوقات فراغت

24. Ritualism

25. Retreatism

اهمیت کمتری دارد (Agnew, 1992, p. 67)؛ اما چنین تفسیری از وقایع نامطلوب از جانب نوجوانان را نمی‌توان امری محتمل دانست. همچنین این نوع راهبرد در صورتی که افراد در شرایط نابسامان زندگی می‌کنند و هیچ‌یک از اهداف و ارزش‌های ایشان محقق نشده باشد، کارآمد نخواهد بود. «زین» پسر نوجوانی است که در خانواده‌ای نابسامان زندگی می‌کند. خانواده‌ای که علاوه بر عدم حمایت اقتصادی از فرزندان، از لحاظ عاطفی نیز حامی آن‌ها نیستند. همچنین «زین» و خواهر و برادرانش نیز از لحاظ تحصیلی در وضعیت نامساعدی هستند و تمام روز مشغول کارکردن در خیابان‌ها هستند و صرفاً ابزاری برای درآمدزایی خانواده می‌باشند؛ امری که در سکانس‌های مختلف فیلم نیز به خوبی به تصویر کشیده می‌شود؛ بنابراین، در چنین شرایطی که هیچ از اهداف و ارزش‌های مدنظر «زین» محقق نشده و ظرفیت تحقق در آینده را نیز ندارند، تصور چنین تفسیری از فشار دور از ذهن به نظر می‌رسد و از این رو، «زین» از این طریق نمی‌تواند اثرهای سوء ناشی از تجربه این وقایع نامطلوب را به حداقل برساند.

دومین راهبرد انطباق شناختی، به حداکثر رساندن پیامدهای مثبت و یا به حداقل رساندن پیامدهای منفی است. در اولین راهبرد، هرچند افراد وجود ناملایمات را تصدیق می‌کنند؛ اما چنین ناملایماتی را بی‌اهمیت تلقی می‌نمایند؛ اما در راهبرد نوع دوم، افراد تلاش می‌کنند تا با به حداکثر رساندن نتایج مثبت و یا با به حداقل رساندن پیامدهای منفی، وجود ناملایمات را انکار کنند. این امر ممکن است به دو صورت انجام شود: کاهش استانداردهای مورد استفاده برای ارزیابی نتایج یا تحریف برآورد فرد از نتایج فعلی و یا نتایج مورد انتظار. پایین‌آوردن استانداردها شامل کاهش اهداف یا بالا بردن آستانه (محدوده) برای محرک‌های منفی است. هایمن^{۲۶} و همکاران بر این باورند که در ایالات متحده، افراد فقیر تحت فشار نیستند؛ زیرا آن‌ها اهداف موفقیت خود را پایین آورده‌اند و آرزوهای خود را با واقعیت مطابقت می‌دهند. افراد علاوه بر پایین آوردن استانداردهای خود ممکن است از نظر شناختی نیز در ارزیابی خود از نتایج اختلال ایجاد کنند. درحقیقت، بسیاری از افراد در سطوح واقعی و مورد انتظار خود از دستیابی به هدف

اغراق می‌کنند؛ به عنوان مثال، افراد با نمرات ضعیف اغلب گزارش می‌دهند که در مدرسه خوب عمل می‌کنند و افرادی که شانس کمی برای حضور در کالج دارند، اغلب گزارش می‌دهند که انتظار حضور در کالج را دارند. علاوه بر اغراق در پیامدهای مثبت، افراد ممکن است پیامدهای منفی را نیز به حداقل برسانند و ادعا کنند که ضرر و زیان آن‌ها کوچک و تجارب مضر آن‌ها خفیف است (Agnew, 1992, p. 69)؛ برای مثال، اگنیو دریافت که قربانیان جرم اغلب اظهار می‌کنند که بزه‌دیدگی به آن‌ها کمک می‌کند تا از آن واقعه بیاموزند؛ این امر به نوبه خود موجب کاهش احساسات منفی ناشی از قربانی شدن آن‌ها می‌شود (Lin, 2011, p. 36). درحقیقت در این نوع از انطباق شناختی نوعی مثبت‌اندیشی در مواجهه با وقایع نامطلوب وجود دارد؛ یعنی فرد در صورت تجربه فشار، یا میزان اهداف خود را تغییر می‌دهد و یا در نتایج کسب‌شده از آن واقعه اغراق می‌کند؛ به این صورت که آثار منفی آن را انکار می‌کند و آثار مثبتی برای آن واقعه در نظر می‌گیرد. با توجه به سکانس‌های مختلف فیلم می‌توان گفت که این نوع راهبرد در زندگی «زین» جایگاهی ندارد؛ چرا که او هر روز در حال تجربه وقایع نامطلوب متعدد می‌باشد و تداوم این وقایع و مثبت‌اندیشی در مواجهه با آن امری محال به نظر می‌رسد. نکته قابل‌توجه، چهره غمگین «زین» در طول فیلم است که نشان از نارضایتی وی از وضع موجود دارد. علاوه بر آن، آگاهی «زین» به شرایط نامطلوب و پیامدهای منفی آن در طول فیلم قابل مشاهده است؛ زیرا زندگی در خانواده‌ای نابسامان موجب شده است که زین به خواهرش «سحر» کمک کند تا عادت ماهانه‌اش را پنهان نماید. در سکانس‌های آغازین فیلم هم «زین» از پدر و مادر خود به دلیل وضعیت اسفباری که برای او ایجاد کرده‌اند، شکایت می‌کند. همه این موارد حاکی از آن است که «زین» به شرایط نامطلوب زندگی خود آگاهی کامل دارد و آن‌ها را به همان شکلی که وجود دارد، پذیرفته است و هیچ تلاشی از جانب وی در جهت به حداقل رساندن پیامدهای منفی ناشی از وقایع یا تحریف نتایج کسب شده صورت نمی‌گیرد. درحقیقت، زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، تحصیلی و خانوادگی و تداوم آن در زندگی «زین» مانع کوچک‌ترین مثبت‌اندیشی از جانب وی می‌شود.

پذیرش مسئولیت وقایع نامطلوب، سومین راهبرد از انطباق شناختی است. افراد ممکن است با متقاعد کردن خود که سزاوار وقایع نامطلوب هستند، ناملايمات ذهنی ناشی از فشار عینی را حداقل برسانند (Agnew, 1992, p. 68). همان‌طور که پیش از این گفته شد، بزهکاری پاسخی است در برابر احساسات منفی که فرد تجربه می‌کند و خشم به‌عنوان یکی از این احساسات، نقش برجسته‌ای در وقوع جرم ایفا می‌کند. حال آنکه بزهکاری ممکن است در غیاب خشم نیز رخ دهد. افرادی که خود مسئولیت وقایع نامطلوب را می‌پذیرند در معرض تأثیرات منفی مانند افسردگی و ناامیدی هستند. درنتیجه، چنین افرادی همچنان برای انجام اقدامات اصلاحی احساس فشار می‌کنند، اگرچه عدم وجود خشم آنها را تحت فشار کمتری قرار می‌دهد و احتمال رفتار انتقام‌جویانه را بسیار کمتر می‌کند. با این حال، چنین افرادی ممکن است به بزهکاری درونی مانند مصرف مواد مخدر دست بزنند (Agnew, 1992, p. 69). بنابراین، در این نوع از انطباق شناختی نیز وقوع بزهکاری امری محتمل است و صرف عدم تجربه خشم به‌عنوان مهم‌ترین حس منفی، احتمال وقوع جرم را از بین نمی‌برد بلکه نوع جرم در این حالت به‌دلیل تجربه احساسات و عواطف منفی متفاوت، تغییر می‌کند. پذیرش مسئولیت ناشی از وقایع نامطلوب توسط «زین» در هیچ‌یک از سکانس‌های فیلم قابل مشاهده نیست بلکه او خانواده را مسئول تمام وقایع نامطلوب زندگی خویش و خواهر و برادرانش می‌داند. سکانشی که در آن «زین» از خانواده خود در دادگاه شکایت می‌کند حاکی از این امر است. در سکانش‌های پایانی فیلم نیز «زین» با برنامه‌ای به نام بی‌عدالتی علیه کودکان تماس می‌گیرد و در آن برنامه علاوه بر اینکه از خانواده خود شکایت می‌کند، از خانواده‌های دیگر نیز تقاضا می‌کند که در صورت داشتن شرایط فرزندپروری، این کار را انجام دهند؛ زیرا او مسئولیت تمام اتفاقات ناگواری که برای یک کودک ممکن است اتفاق بیافتد را خانواده آن کودک می‌داند. امری که خود نیز آن را پیش‌تر تجربه کرده بود.

۲-۴-۳- انطباق رفتاری

افراد در انطباق رفتاری به دو شیوه مختلف نسبت به فشار ایجاد شده واکنش نشان می‌دهند؛ یا آنکه به دنبال حداقل رساندن یا حذف منبع فشار هستند و یا آنکه به دنبال

برآورده‌سازی نیاز به انتقام هستند. درحقیقت آنچه انطباق رفتاری را از انطباق شناختی متمایز می‌سازد، انجام رفتاری خاص در برابر فشار ایجادشده است. اولین نوع از انطباق رفتاری، انجام رفتاری است که پیامدهای مثبت را به حداکثر و پیامدهای منفی را به حداقل می‌رساند. در این حالت انطباق رفتاری به موازات هر یک از انواع اصلی منابع فشار ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد؛ بنابراین، افراد ممکن است به دنبال دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، محافظت یا بازیابی محرک‌های ارزشمند، یا متوقف کردن یا فرار از محرک‌های منفی باشند. اقدامات آن‌ها در این زمینه‌ها ممکن است شامل رفتار متعارف یا بزهکارانه باشد؛ برای مثال، افرادی که به دنبال فرار از محیط نامطلوب مدرسه هستند، ممکن است سعی کنند به مدرسه دیگری منتقل شوند یا ممکن است به‌طور غیرقانونی مدرسه را ترک کنند. این انطباق گسترده شامل واکنش‌های نوآوری^{۲۷} و طغیان‌گری^{۲۸} در نظریه مرتون می‌باشد.

دومین نوع انطباق رفتاری، رفتار انتقام‌جویانه است. وقتی دیگران مسئول وقایع نامطلوب دانسته شوند تمایل به انتقام ایجاد می‌شود که با تمایل به پایان دادن واقعه نامطلوب متفاوت است؛ بنابراین، رفتار انتقام‌جویانه به‌عنوان روش دوم انطباق رفتاری ممکن است اشکال متعارف یا انتقام‌جویانه به خود بگیرد. هرچند بدیهی است که احتمال بزهکاری در این روش از انطباق رفتاری بالاتر است (Agnew, 1992, p. 69).

به‌طورکلی راهبردهای انطباق‌های رفتاری نسبت به راهبردهای انطباق شناختی و احساسی، ارتباط نزدیکی با اعمال بزهکارانه دارند (Lin, 2011, p. 38). «زین» برای جلوگیری از ازدواج اجباری «سحر» تصمیم می‌گیرد که با خواهرش از خانه فرار کند؛ اما خانواده‌اش از این امر مطلع می‌شوند و مانع فرار آن‌ها می‌شوند و «سحر» را به زور به خانه «اسد» می‌برند. پس از این واقعه، «زین» از خانه می‌گریزد؛ یعنی اولین اقدام «زین» در مواجهه با این واقعه نامطلوب، فرار از محیط زندگی به منظور کاستن از میزان فشار است. در اپیزود دوم فیلم، وقتی «زین» تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، به خانه برمی‌گردد تا مدارک هویتی خویش را بردارد ولی در همین حین خبر فوت «سحر» را در اثر خونریزی

27. Innovation

28. Rebellion

ناشی از بارداری زودرس می‌شنود و بلافاصله با چاقوی آشپزخانه به «اسد» حمله می‌کند. درواقع، «زین» در راستای کاهش میزان فشار وارده ناشی از حذف محرک ارزشمند (فوت خواهرش) خشمگین شده و دست به انتقام می‌زند. به عبارت دقیق‌تر، او در برابر تجربه منابع فشار مختلف، فقط در برابر حذف محرک ارزشمند اقدام به انطباق رفتاری با ماهیت بزهکارانه کرده است.

۳-۴-۳. انطباق احساسی

درنهایت افراد ممکن است به‌صورت مستقیم به احساسات منفی مانند خشم، سرخوردگی، یأس، افسردگی و ترس ناشی از واقعه نامطلوب بپردازند. پناه‌بردن به الکل و مواد مخدر و داروهای افسردگی، توسل به مدیتیشن، روش‌های تمدد اعصاب و تمرینات بدنی از جمله راهبردهای متعدد برای انطباق احساسی می‌باشد. در تمام این مثال‌ها تمرکز بر کاهش احساسات منفی است تا بازتفسیر شناختی و تغییر رفتاری نسبت به موقعیتی که آن احساسات را ایجاد کرده است. انطباق احساسی به‌ویژه زمانی محتمل است که انطباق رفتاری و شناختی در دسترس نبوده و یا ناموفق باشد (Agnew, 1992, p. 70). درحقیقت نمایش سیگارکشیدن «زین» به همراه بچه‌های دیگری که در آن محله زندگی می‌کنند، در سکانس‌های ابتدایی فیلم حاکی از انطباق احساسی او در برابر تجربه روزانه وقایع نامطلوب متعدد می‌باشد.

۳-۵. نحوه شکل‌گیری نوع انطباق

تقسیم‌بندی انطباق‌ها حاکی از آن است که راه‌های زیادی برای مقابله با فشار وجود دارد که فقط برخی از آن‌ها شامل بزهکاری هستند. افراد ممکن است بیش از یکی از واکنش‌های انطباقی فوق را به‌کار گیرند؛ اما سؤالی که ممکن است در این قسمت مطرح شود، نحوه انتخاب انطباق مجرمانه و غیرمجرمانه توسط افراد است و چرا با وجود انطباق‌های غیرمجرمانه جهت رهایی از احساسات منفی ناشی از فشار، افراد به انطباق مجرمانه روی می‌آورند؟ امری که در نظریه‌های پیشین فشار ازجمله نظریه فشار کلاسیک مرتون نیز مغفول مانده است. به عقیده اگنیو، درحالی‌که انطباق‌های زیادی با

فشار عینی وجود دارد؛ اما این انطباق‌ها به یک میزان برای همه در دسترس نیست. افراد در انتخاب انطباق‌های خود توسط عوامل مختلف داخلی و خارجی محدود می‌شوند.

۱-۵-۳. اهداف / ارزش‌ها / هویت‌های اولیه فرد

اگر فشار عینی از یک‌سو، بر اهداف / ارزش‌ها / هویت‌های اولیه تأثیر بگذارد، و از سوی دیگر، فرد اهداف / ارزش‌ها / هویت‌های جایگزین کمی داشته باشد که بتواند به آن‌ها پناه ببرد، تنزل دادن فشار به بخش بی‌اهمیتی از زندگی دشوارتر خواهد بود. این امر به‌ویژه در صورتی است که اهداف / ارزش‌ها / هویت‌ها از حمایت اجتماعی و فرهنگی قوی برخوردار شوند. در نتیجه، فشار در چنین مواردی منجر به بزهکاری خواهد شد (Agnew, 1992, p. 71). «زین» در شرایطی زندگی می‌کند که علاوه بر عدم تحقق اهداف و ارزش‌های در نظر گرفته شده توسط وی، اهداف و ارزش‌های جایگزین نیز ندارد تا از طریق آن‌ها بتواند فشار را کاهش دهد و از وقوع بزهکاری ممانعت به عمل آورد. همان‌طور که در سکانس‌های مختلف فیلم قابل مشاهده است، «زین» برای مقابله با فشار، سیگار می‌کشد، اقدام به فروش ترامادول می‌کند و در نهایت نیز به اسد حمله می‌کند؛ بنابراین در چنین شرایطی وقوع بزهکاری امری محتمل به نظر می‌رسد.

۲-۵-۳. منابع شخصی انطباق

طیف وسیعی از صفات را می‌توان در منابع شخصی انطباق جای داد که از آن‌جمله می‌توان به خلق‌وخو، هوش، خلاقیت، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های تعاملی و عزت نفس اشاره کرد. این ویژگی‌ها بر انتخاب راهبردهای انطباق تأثیر می‌گذارند؛ یعنی بر حساسیت فرد نسبت به فشارهای عینی و توانایی درگیر شدن در مقابله شناختی، عاطفی و رفتاری اثرگذار هستند؛ به‌عنوان مثال، داده‌ها نشان می‌دهد که افراد با عزت نفس بالا در برابر استرس مقاوم‌تر هستند؛ بنابراین احتمال پاسخ‌دهی چنین افرادی به فشار عینی از طریق بزهکاری بسیار کم می‌باشد (Agnew, 1992, p. 71). درواقع در این قسم از عوامل، ساختار شخصیتی فرد حائز اهمیت است. روایت فیلم بیشتر متمرکز بر نحوه واکنش «زین» به وقایع پیرامون او است. واکنش به وقایع نامطلوب متعددی که یک فرد

دوازده‌ساله به‌صورت مداوم آن‌ها را تجربه می‌کند و درنهایت نیز با مرگ خواهرش به اوج خود می‌رسد، به نظر می‌رسد فراتر از ساختار شخصیتی وی بوده و به عوامل دیگری بستگی دارد.

۳-۵-۳. متغیرهای سطح کلان

یکی از متغیرهایی که در سطح کلان می‌تواند بر انطباق‌های افراد تأثیر بگذارد، محیط اجتماعی می‌باشد؛ برای مثال، محیط اجتماعی بزرگ‌تر ممکن است با تأثیر بر همه عوامل فوق، بر احتمال وقوع انطباق به شیوه رفتارهای بزهکارانه در مقابل رفتارهای غیربزهکارانه تأثیر بگذارد. محیطی که «زین» در آن سکونت دارد، پیوسته در حال تقویت انطباق‌هایی با ماهیت بزهکارانه می‌باشد. سکانس سیگار کشیدن «زین» به همراه دوستانش و همچنین بازی‌های خشونت‌آمیز همچون تخریب وسایل با اسلحه‌های چوبی دست‌ساز می‌تواند نشان‌دهنده محیط اجتماعی تقویت‌کننده انطباق‌های بزهکارانه باشد. درواقع محیط اجتماعی ممکن است با تأثیر گذاشتن بر اهمیت اهداف/ارزش‌ها/ هویت‌های انتخاب‌شده، بر انطباق تأثیر بگذارد. همچنین محیط اجتماعی بزرگ‌تر ممکن است با تأثیرگذاری بر باورهای فرد در مورد اینکه چه چیزی مطلوب است و چه چیزی نامطلوب است، بر حساسیت فرد نسبت به فشارهای خاص تأثیر بگذارد؛ برای مثال، ایده خرده‌فرهنگ خشونت بر این فرض استوار است که به مردان سیاه‌پوست جوان در محله‌های فقیرنشین شهری آموزش داده می‌شود که طیف وسیعی از تحریک‌ها و توهین‌ها بسیار نامطلوب است؛ بنابراین، محیط اجتماعی ممکن است بر توانایی فرد برای به حداقل رساندن شناختی شدت فشار عینی تأثیر بگذارد؛ برای مثال به افراد در برخی محیط‌ها به‌طور منظم اطلاعاتی در مورد دستاوردها و شکست‌ها ارائه می‌شود و تلاش‌های آن‌ها برای تحریف شناختی چنین اطلاعاتی به‌سرعت به چالش کشیده می‌شود. درحقیقت، دستاوردها و ناکامی‌های فرد معمولاً در برابر مخاطبان زیادی رخ می‌دهد یا به‌سرعت برای چنین مخاطبانی شناخته می‌شوند. علاوه‌براین، گزارش‌ها حاکی از آن است که این مخاطبان مرتباً دستاوردها و شکست‌ها را به افراد یادآوری می‌کنند و تلاش‌ها برای تحریف شناختی را به چالش می‌کشند (Agnew, 1992, p. 72). همچنین

محیط‌های اجتماعی خاص ممکن است درگیرشدن در انطباق رفتاری با ماهیت غیربزهکارانه را دشوار کند. اگنیو این چنین استدلال می‌کند که نوجوانان اغلب برای فرار قانونی از محرک‌های منفی، به‌ویژه محرک‌های منفی که در مدرسه، خانواده و محله با آن مواجه می‌شوند، دچار مشکل هستند؛ زیرا نوجوانان اغلب فاقد منابع لازم برای مذاکره موفقیت‌آمیز با بزرگسالان، مانند والدین و معلمان هستند. استدلال‌های مشابهی برای طبقات فرودست جامعه نیز ارائه می‌شود؛ چراکه آن‌ها نیز اغلب منابع لازم برای مذاکره موفقیت‌آمیز با بسیاری دیگر را ندارند؛ بنابراین، محیط اجتماعی بزرگ‌تر ممکن است به طرق مختلف بر انطباق فردی تأثیر بگذارد و گروه‌های خاص مانند نوجوانان و طبقه فرودست جامعه در انتخاب انطباق‌هایی با ماهیت غیربزهکارانه با محدودیت‌های ویژه‌ای مواجه هستند. این امر می‌تواند میزان بالاتر انحراف را در بین این گروه‌ها توضیح دهد (Agnew, 1992, p. 73). «زین» با زندگی در مکانی که استعمال مواد مخدر و سیگار توسط نوجوانان امری رایج بوده و بازی‌های کودکان نیز ترویج‌دهنده خشونت بیشتر می‌شوند، احتمال افزایش درگیرشدن وی در انطباق‌های مجرمانه در برابر مواجهه مداوم و روزانه وی با محرک‌های منفی در خانواده را فراهم آورد.

۴-۵-۳. گرایش به بزهکاری

انتخاب انطباق‌های بزهکارانه در نوجوانان به گرایش‌های آن‌ها به درگیرشدن در انطباق بزهکارانه در مقابل انطباق‌های غیربزهکارانه بستگی دارد. این گرایش تابع عواملی از جمله متغیرهای خلقی خاص، سابقه یادگیری قبلی نوجوان (میزان تقویت بزهکاری در گذشته)، باورهای نوجوان و مسئله نسبت دادن علل ناملازمات به دیگران است. درواقع نوجوانانی که وقایع نامطلوب خود را به دیگران نسبت می‌دهند، بسیار بیشتر در معرض تجربه خشم هستند و این مسئله، زمینه‌ای قوی برای بزهکاری ایجاد می‌کند. نتایج داده‌ها و نظریه‌های دیگر نیز حاکی از آن است که تجربه وقایع نامطلوب به احتمال زیاد منجر به انحراف می‌شود. همچنین تداوم تجربه وقایع نامطلوب نیز ممکن است تمایل به بزهکاری را ایجاد کند (Agnew, 1992, p. 73). در اپیزود اول فیلم، «زین» برای امرار معاش خانواده‌اش، اقدام به خریدن ترامادول از داروخانه‌های مختلف شهر می‌کند. در اپیزود

دوم فیلم و پس از دستگیری «راحیل»، «زین» برای امرار معاش خود و «یونس» اقدام به خرید ترامادول می‌کند و آن را در آب حل کرده و به جوانان محله می‌فروشد. مشاهده می‌شود که تجربه قبلی «زین» در خرید و فروش ترامادول موجب تکرار این اقدام از جانب وی می‌شود. همچنین در طول روایت فیلم بارها «زین» اذعان داشته است که خانواده او مسئول این وقایع نامطلوب می‌باشد و تا جایی پیش می‌رود که از به دنیا آوردن خود در دادگاه علیه خانواده خویش شکایت می‌کند. چنین شرایطی وی را بیشتر در معرض تجربه خشم قرار می‌دهد و درنهایت منجر به بزهکاری او می‌شود.

متغیرکلیدی دیگری که بر عوامل مختلف گرایش به بزهکاری تأثیر می‌گذارد، ارتباط با همسالان بزهکار^{۲۹} است. درحقیقت نوجوانانی که با همسالان بزهکار معاشرت می‌کنند، بیشتر در معرض مدل‌ها و باورهای بزهکارانه قرار می‌گیرند و برای بزهکاری تقویت می‌شوند. همچنین ممکن است همسالان بزهکار این احتمال را افزایش دهند که نوجوانان ناملایمات خود را به دیگران نسبت دهند؛ البته لازم به ذکر است که تحت شرایط خاصی تجربه وقایع نامطلوب ممکن است منجر به باورهای مساعد برای بزهکاری شود، نوجوانان را به پیوستن یا تشکیل گروه‌های همسالان بزهکار سوق دهد، و نوجوانان را وادار کند که دیگران را برای بدبختی خود مقصر بدانند (Agnew, 1992, p. 74). معاشرت «زین» با نوجوانانی که همراه او سیگار می‌کشند و به بازی‌های خشونت آمیز می‌پردازند در سکانس‌های ابتدایی فیلم به تصویر کشیده شده است.

نتیجه‌گیری

فیلم سینمایی کفرناحوم روایت‌گر زندگی خانواده‌ای است که در فقر و فلاکت غوطه‌ور هستند و در این شرایط نیز فرزندان متعدد دارند و هدف آن‌ها از فرزندآوری این است که روزی عصای دستشان شود. پسران و دختران این خانواده برای امرار معاش هر روز در خیابان‌ها کار می‌کنند، بدون اینکه کوچک‌ترین توجهی به وضعیت تحصیلی و نیازهای آن‌ها شود. دختران این خانواده نیز به محض رسیدن به سن بلوغ تبدیل به

29. delinquent peers

ابزاری برای رفع تنگدستی خانواده می‌شوند. «زین» پسر نوجوان دوازده‌ساله این خانواده، نه تنها به اهداف تحصیلی خود دست نیافته بلکه هر روز در معرض انواع محرک‌های منفی مانند انواع کودک‌آزاری‌ها و ... قرار می‌گیرد. تلاش‌های او جهت جلوگیری از عقد خواهر یازده‌ساله‌اش «سحر» نیز بی‌نتیجه می‌ماند و در نهایت نیز خواهرش را از دست می‌دهد و به همین دلیل، «زین» نیز دست به انتقام می‌زند. شاید این چنین به نظر برسد که این فیلم یک روایت ساده را بیان می‌کند؛ اما این روایت در عین سادگی، پیچیدگی‌های بسیاری دارد که می‌توان آن را در پرتو نظریه کاربردی فشار اگنیو مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ زیرا این نظریه، متغیرهای فشار را به طرق مختلف گسترش داد. نظریه عمومی فشار، ابتدا دامنه فشار کلاسیک را در بخش انسداد اهداف با گنجاندن اختلاف بین انتظارات و نتایج واقعی توسعه بخشید. همچنین دامنه فشار را با افزودن دو منبع جدید فشار یعنی از دست دادن محرک ارزشمند و مواجهه با محرک‌های منفی توسعه داد. اگنیو این چنین استدلال می‌کند که تجربه منابع مختلف فشار منجر به تجربه احساسات منفی می‌شود که در نهایت این احساسات می‌تواند باعث بزهکاری نیز شود. اگنیو عوامل مختلفی همچون شدت یا بزرگی وقایع نامطلوب، تازگی داشتن وقایع، طول مدت این وقایع و درنهایت هم‌زمانی این وقایع نامطلوب در میزان فشار وارده را مؤثر می‌داند. درنهایت، نظریه عمومی فشار این امر را به‌خوبی توضیح می‌دهد که چرا برخی افراد در نتیجه تجربه فشار، مرتکب جرم می‌شوند و برخی خیر؟ درحقیقت اگنیو ضمن تشریح انواع انطباق‌ها، عوامل مؤثر بر انطباق‌ها را نیز تبیین می‌کند.

کتابنامه

- پاک‌نهاد، امیر (۱۴۰۱). *اصول جرم‌شناسی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- سوتهیل، کیت؛ پیلو، مویرا و تیلور، کلر (۱۳۸۳). *شناخت جرم‌شناسی*؛ ترجمه میرروح‌الله صدیق. تهران: دادگستر.
- سیمپسون، سالی و ویزبرد، دیوید (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان*؛ ترجمه حمیدرضا دانش ناری و آزاده صادقی. تهران: مجد.

مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *فصلنامه اندازہ‌گیری تربیتی*، (۴) ۱۴، ۲۲۲-۱۸۷.

مهدوی، محمود (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد‌م‌دار)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*.

Agnew, R. (1995). Testing the leading crime theories: An alternative strategy focusing on motivational processes. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 32(4), 363-398.

Agnew, R. (2006). *Pressured into crime: An overview of general strain theory*. Los Angeles, CA: Roxbury Publishing Company.

Akers, R. L., & Sellers, C. S. (2003). *Criminological theories: Introduction, evaluation, and applications* (5th ed.). Roxbury Publishing Company.

Bao, W., Haas, A., & Pi, Y. (2004). Life strain, negative emotions, and delinquency: An empirical test of general strain theory for the people in the Republic of China. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48(3), 281-297.

Bergeron, L. E. (2010). *Female criminality and community reentry: An examination of general strain theory* (Doctoral dissertation). North Dakota State University.

Brown, E. S., Esbensen, F. A., & Geis, G. (2010). *Criminology: Explaining crime and its context*. Routledge.

Burke, R. H. (2009). *An introduction to criminological theory* (3rd ed.). Willan Publishing.

Carson, C. D. (2007). *Using Agnew's general strain theory to explain the relationship between early victimization and deviant behavior* (Master's thesis). University of South Florida. Centers for Disease Control and Prevention. Suicide prevention

Carey, B. (n.d.). *Agnew's general strain theory: Context, synopsis, and application*. University of Illinois Springfield

Cullen, F. T., & Agnew, R. (2004). *Criminological theory: Past to present* (2nd ed.). Roxbury Publishing Company.

Hsiu-Fang, H. Sieh & Shannon, S. E. (2005). *Three Approaches To Qualitative Content Analysis*. Qualitative Health Research. NoVember

Lin, W.-H. (2011). *General strain theory and juvenile delinquency: A cross-cultural study* (Doctoral dissertation). University of South Florida.

Pearlin, L. I., & Schooler, C. (1978). The structure of coping. *Journal of Health and Social Behavior*, 19(1), 2-21

Rebellon, C. J., Piquero, N. L., Piquero, A. R., & Thaxton, S. (2009). Do frustrated economic expectations and objective economic inequity promote crime? A randomized experiment testing Agnew's general strain theory. *European Journal of Criminology*, 6(1), 47-71.

- Siegel, L. (2018), *Criminology: The Core*, (7th ed), Cengage Learning Publication.
- Siegel, L., & Senna, J. (1997). *Juvenile delinquency: Theory, practice, and law* (6th ed.). West Publishing Company.
- Sung, J & Johnson, B. R. (2003). Strain, negative emotions, and deviant coping among African Americans: A test of general strain theory. *Journal of Quantitative Criminology*, 19(1), 79–105.
- Straus, M. A., & Kantor, G. K. (2005). Definition and measurement of neglectful behavior: Some principles and guidelines. *Child Abuse & Neglect*, 29(1), 19–29.
- Swagar, N. A. (2011). *Childhood abuse, criminal victimization, sex work, and substance use among homeless street youth: An application of general strain theory* (Master's thesis). Queen's University.
- Zhang, Y. (2006), *Content analysis* (qualitative, thematic).